

# هنر دینی چیست؟

سوفی ها<sup>۲</sup>  
برگردان حمید بخشنده

## نمونه‌هایی از آثار هنری

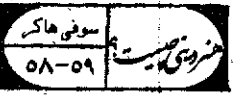
اگر شما تنها به نگارخانه‌هایی که به عرضه آثار هنرمندان غربی می‌پردازند، گشت‌وگذاری کنید، به احتمال قریب چیزی نخواهید یافت که بتوان آن را دینی نامید. در عصر جدید نسبت به چنین آثار هنری، نظر منفی بسیار ملموس، و چه بسا نسبت به انگیزه‌های آفرینندگان این‌گونه آثار، سوءظن وجود دارد. برخی هنرمندان ممکن است از نماد و تصویرپردازی دینی<sup>۳</sup> بهره برند، ولی عموماً استفاده آنان از آن به شیوه‌های مخرب<sup>۴</sup> است تا بدین ترتیب به نهادهای دینی و حتی ادعای تجربه دینی<sup>۵</sup> اشخاص خرده بگیرند.

در این‌جا می‌توان از اثر بدآوازه<sup>۶</sup> گنرئاس سیرانو<sup>۷</sup> موسوم به مسیح چامین<sup>۸</sup> یاد کرد که در آن، صلیب تنایشی بدرت‌کیبی، پوشیده از ادرار است. یا می‌توان اثر فرانسویس بیکن<sup>۹</sup> با عنوان نمادها در شالوده<sup>۱۰</sup> صلیب مسیح<sup>۱۱</sup> را نام برد. این نقاشی اگرچه متعلق به سال‌های بسیار گذشته است و در نتیجه معاصر محسوب نمی‌شود، ولی به روشنی بیانگر این عقیده بیکن است که مصلوب‌سازی، ظلم بیهوده<sup>۱۲</sup> دیگر بشر بود، که این‌گونه ظلم در یهودکشی<sup>۱۳</sup> مفتضح<sup>۱۴</sup> در زمان جنگ جهانی کاملاً مشهود است. ولی این امر از نظر من، برداشتی ژرف اندیشانه و وجودشناختی از منزلت انسان و نیز توانایی ما بر مصلوب‌سازی یکی‌ها است.

ولی هنر حتی اگر مخالف گونه‌های تاریخی و به‌ویژه گونه‌های نهادینه دین باشد، همه جا میل واقف به درک این نکته وجود دارد که از چه راه‌هایی می‌توان به امری فراسوی امور ملموس و محسوس

\* از این پس در شماره‌های آتی مطالبه رواق هنر و اندیشه، هفت مقاله درباره هنر به چاپ خواهد رسید که به گزارش از همایش هنر و آموزش دینی اختصاص دارد. با آن که مدت‌ها از برگزاری این همایش می‌گذرد ولی بیان گوشه‌هایی از مباحث بیان شده در این همایش می‌تواند به آشنایی خوانندگان نشریه با دغدغه‌های متفکرین و هنرمندان غربی درباره هنر و دین کمک کند.

### 1. What is Religious Art?



مجنوب شد.

شوق به تعالی و تجربه معنوی در آشکارترین صورت ممکن یافت می‌شود. تنها کافی است به حضور اشخاص در رویت رستگاری<sup>۱۳</sup> نظری افکنده شود که دهها سال موفق‌ترین نمایشگاه نگارخانه ملی<sup>۱۴</sup> لندن بوده است. رقم باورنکردنی ۸۴۰۰۰ از ۳۵۰۰۰۰ گردشگر، برای نخستین بار از این نمایشگاه بازدید کردند و البته این گردشگران برای دیدن آثار هنری‌ای که به ویژه به زندگی و شخصیت مسیح مربوط بود، آمده بودند.

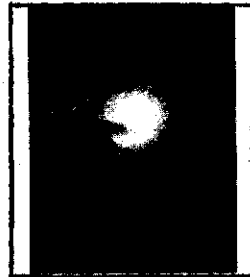
نیل مک‌گریگور<sup>۱۵</sup>، مدیر نگارخانه ملی اخیراً درباره این رویداد سخنان تازمائی ابراز داشت. وی گفت هنگامی که ابتدا بدین سمت منصوب شد، متوجه این نکته گردید که بازدیدکنندگان فراوانی، در جست‌وجوی مجالی برای نیایش یا تفکر در نزد برخی از شمایل‌های شگرف هنری<sup>۱۶</sup> به این نگارخانه می‌آیند.

مسیح در نزد کشیش اعظم<sup>۱۷</sup> اثر گریت فان هوتنوزست [ (۱۶۵۶-۱۵۹۰) نقاش هلندی ] تماشاگران فراوانی را جلب می‌کند. این شمایل، سمبل جهانی<sup>۱۸</sup> نور وحی و عصمت<sup>۱۹</sup> را نشان می‌دهد که در آن نور درخشانی از چهره مسیح، تابان است و روپارویی میان خیر [یعنی مسیح] و شر - یعنی آنان که درصدد کشتن مسیح بودند - نمایانده می‌شود.

این‌گونه هنر دینی مسیحی، زبان خاصی را به کار می‌گیرد، یعنی زبان روایت واضح که برگرفته از کتاب مقدس مسیحیان است. این شیوه، در زمان ما هم‌چنان معتبر است و نیز - به تعبیر واسیلی کاندینسکی<sup>۲۰</sup> ۱۹۴۴-۱۸۶۶، هنرمند و نظریه‌پرداز روسی در زمینه هنر انتزاعی [ - فرزند زمان خود است زیرا هنوز هم می‌توانیم آن را از میان چشم‌های تاریخ ببینیم، ما جایگاه خود را در پایان سیری طولانی با دیگر بینندگان به‌دست می‌آوریم، بینندگانی که همگی اظهار داشته‌اند که آن را برای خود تصویری دانستند که انسان را به فراسوی خود سوق می‌دهد.

با این همه، در دهه‌های اخیر در غرب، به نقطه‌ای رسیده‌ایم که این‌گونه زبان دیداری دینی و سنتی، دیگر در میان هنرمندان رواج ندارد. فرهنگ خود ما و آنان که آن را معرفی می‌کنند، نیازمند بینشی تازه‌اند از آن چه که می‌توان از دین برای دین خواند.

2. Sophie Hacker
3. religious imagery
4. subversive ways
5. religious experience
6. notorious piece
7. Andreas Serrano
8. Piss Christ
9. Francis Bacon
10. Figures at the Base of the Crucifixion
11. meaningless outrage
12. exposed Holocaust
13. Seeing Salvation
14. National Gallery
15. Neil MacGregor
16. great cultural icons
17. Christ before the High Priest
18. universal symbol
19. purity
20. Wassily Kandinsky



● تسلیم اشک ها



گونه‌های سنتی هنر دینی کاملاً کنار گذاشته نشده است. ما هنرمندانی مانند دینا روکنال<sup>۲۱</sup> با اثری چون نمایش در معبد<sup>۲۲</sup> دلریه، اثر وی صحنه‌های انجیل را به صورت پویا، قابل دسترس و روایت زنده، معاصر می‌سازد. آثار مارک کارالت<sup>۲۳</sup> و راجر واکنر<sup>۲۴</sup> نیز از داستان‌های کتاب مقدس ماپه می‌گیرند. دیگر هنرمندانی که با میل و رغبت موضوعات مسیحی را در آثار خود مورد مذاقه قرار می‌دهند، عبارتند از: نیکلاس ماینهیر،<sup>۲۵</sup> الیزابت گری کینگ،<sup>۲۶</sup> روبرت لویدل،<sup>۲۷</sup> پل هابز<sup>۲۸</sup> و جین لام؛<sup>۲۹</sup>

هنر در دیگر دین‌ها این‌گونه متأثر از فرهنگ غربی نبوده است. هندسه اسلامی زبانی جهانی و میان فرهنگی<sup>۳۰</sup> است، که طرح‌ها و شکل‌هایی را می‌آفریند که بیانگر زیبایی و نظم است بدون آن‌که از عناصر بازنمایی<sup>۳۱</sup> استفاده کند، ولی دارای نیروی احساس برانگیز بسیار زیادی است.

ولی بطور کلی هنرمندان غربی، روایت هنر دینی را همواره ساختار شکنی کرده‌اند و در عوض به چیزی پرداخته‌اند که ترجیح می‌دهند به عنوان اثر دینی توصیف کنند. پسامردن گرای، طیف وسیع و فزاینده‌ای از شیوه‌های هنری،<sup>۳۲</sup> از نقاشی و مجسمه‌سازی تا هنرهای نمایشی<sup>۳۳</sup> [مانند تئاتر و اپرا] فیلم ویدئویی و نمایش سریالی<sup>۳۴</sup> را معتبر می‌دانند.

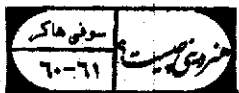
### هدف من به عنوان هنرمند: سبک و پیام اثر

با وجود همه مشکلاتی که در بالا بدان اشاره کردیم، قابلیت هنر<sup>۳۵</sup> برای برقراری ارتباط با دین، نکته‌ای است که در این‌جا در صدد بررسی آن هستیم. من به عنوان هنرمندی که قصد و تمایلی این است که با دین ارتباط برقرار کند، مایلم این بررسی را با بیان متد خود انجام دهم.

به آثار هنری بزرگ و همگانی، توجه فرلوانی مبذول می‌شود، ولی معتقدم که اثر هنری ساخته و طراحی شده برای فضاهای کوچکتر، دارای تأثیری بس چشمگیر در زندگانی مردم است و به محیط خانوادگی<sup>۳۶</sup> قداست می‌بخشد. چرا منزل یک فرد انگلیسی نتواند پرستش‌گاه وی باشد؟ یا حتی منزل یک شخص ولزی؟

برای پنج سال گذشته، کار من بر روی تناسب درونی<sup>۳۷</sup> بوده است. من به دقت به سطح پرداختم، به طریقی که من را مستقیماً ولرد عکس می‌کند. من از گچ رنگی نرم<sup>۳۸</sup> استفاده می‌کنم، ابزاری که به

21. Dinah Roe Kendall
22. Presentation in the Temple
23. Mark Cazalet
24. Roger Wagner
25. Nicholas Mynheer
26. Elizabeth Grey King
27. Rupert Loydel
28. Paul Hobbs
29. Jean Lamb
30. cross-cultural
31. figurative elements
32. artistic mediums
33. performance art
34. installation work
35. art's ability
36. domestic environment
37. intimate scale
38. soft pastel



محض لمس شدن، رنگ خود را بیرون می‌دهد به عبارت دیگر، پردردسر است؛ ولی به واسطه آن می‌توانم با رنگ روی انگشتم، و مستقیماً بر روی و در روی سطحی از کاغذ دست‌ساز خود، طرح‌ها را رنگ‌آمیزی کنم و تندیس‌مانند بسازم.

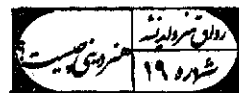
از نظر نفوی، سطح نقاشی صرفاً عمقی چند میلی متری از کاغذ و رنگ‌مایه است. ولی فرآیند نهایی‌سازی<sup>39</sup> آن خط‌ها و ترکیب‌ها بسیار فراتر از ظاهر ساده آن است. آن جایگاهی است که اندیشه‌ها و ابستدلال‌ها با آن راسخ و استوار می‌شود. برای نمونه در اثری مانند جام متبرک<sup>40</sup> به یک ایماژ اساسی<sup>41</sup> بسیار ساده پرداخته، ولی مقصودم آن بود که از طریق نور و نیرویی که در دل‌دیس جام<sup>42</sup> نمایان است، در باره سخاوت عجیب<sup>43</sup> خداوند سخنی بگویم.

برای نیل بدین مقصود، سبکی از طراحی موسوم به *نمای زرین*<sup>44</sup> را به کار بردم. بدین ترتیب، عناصر نهاده شده در درون تصویر، در بردارنده تناسب و توازن یکپارچه‌ای<sup>45</sup> هستند. ولی ابعاد اساساً بسیار دقیق ترکیب عناصر، لازم بود که با آزادی در استفاده از رنگ، تعدیل یابد، ابعادی که با خط‌های نمادین<sup>46</sup> ترسیم می‌شوند و در یکدیگر ادامه می‌یابند تا نوعی درخشش در درون تصویر بیفزایند. با این حال رنگ‌ها خود از سنت مایه می‌گیرند؛ رنگ طلایی، سمبل ذات سرمدی الهی است؛ رنگ قرمز، نماد عیسی مسیح و رنگ سبز، نماد روح‌القدس است.

قصد من همواره آن است که ژرفا و حقیقتی را در اثر نهایی پدید آورم که صرفاً خیالی باطل نباشد بلکه تجسم‌بخش وجود ناپیدای حقیقی<sup>47</sup> باشد. تکمیل نقاشی، فرآیندی طبیعی است که در اثر نهایی تحقق می‌یابد، امری که تنها پس از تحقق خارجی به خوبی قابل تشخیص است. در این راه، تا آن‌جا که می‌توانم عمیقاً و آزادانه بر اساس تخیل، حافظه و تجربه به نقاشی می‌پردازم، هر چند این‌که چگونه هر اثر هنری، امر ضروری و واقعی را در بر می‌گیرد، در نهایت به صورت راز باقی خواهد ماند.

من اغلب هنگام کار به موسیقی گوش می‌دهم. من برای بازنمودن درکی جامع از موضوعی که بدان می‌پردازم، آن را برمی‌گزینم. شاید سرود بهشتیان<sup>48</sup> اثر هربرت نورمن هاوولز<sup>49</sup> [۱۹۸۳-۱۸۹۲] آهنگ‌ساز و ارگ‌نواز انگلیسی [نمونه‌نمایی باشد. من هنگام کار کردن بر روی تسلیت لشکرها<sup>50</sup> که به طور فشرده به آن اشاره خواهم کرد، بدان گوش دادم. هاوولز در غم طاق‌فرسای<sup>51</sup> مرگ تنها

39. process of finalising
40. Chalice
41. basic image
42. heart of the cup
43. outrageous generosity
44. Golden Section
45. integral harmony
46. gestural marks
47. real presence
48. Hymnus Paradisi
49. Herbert Norman Howells
50. Consolation of Tears
51. overwhelming grief



پسرش، این قطعه را دعوت شده به هستی<sup>۵۲</sup> نامید. با کمال تعجب، پس از آن که کار خود را به اتمام رساندم و آن را تسلیم نامیدم، دریافتم که هاولز دقیقاً همین واژه را برای بیان چگونگی احساس خود در تصنیف قطعه مزبور به کار برد.

گوش کردن به موسیقی در فرآیند جد و جهد برای از دست دادن منیت در اثر هنری، نیز مفید است. هنگامی که انسان سرشار از الهام است، گویا تصاویر، خود در نزد آدمی ظاهر می‌شوند. ممکن است نویسنده‌ای مطلبی بنویسد که شبیه به گفته شخصیت رمانی باشد که در آن مرد یا زنی زندگی خود را بیان می‌کند و مسیری را که داستان باید به خود بگیرد، تعیین می‌کند.

تابلوی نقاشی نکته‌ای دیگر را آشکار می‌سازد. من به عنوان اولین بیننده به کار مشغول می‌شوم. به عنوان یک مادر، امیدوارم شما این همانندنگاری را ببخشید، ولی آن مانند تماشا کردن شکل‌گیری حیات نو است. نقش من تا حدودی آن است که دگرگونی تدریجی و پیاپی آن را نظم و ترتیب بخشیم، در حالی که کوشش می‌کنم آن‌طور که باید و شاید ولرسته باشم تا از این امر اجتناب کنم که آن را به کنترل خود درآورم.

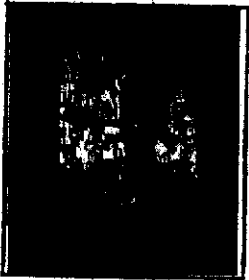
نیایش نیز بخشی لازم و بایسته در فرآیند مزبور است. آن، سنگ بنای آغاز یک اثر هنری است، که مایه الهام و بصیرت است. نیایش همچنین کوهی است که می‌توان در هنگام برخورد امور با موانع، بدان روی آورد. آن، آغاز، میان و پایان راه است.

شوهر من، کشیش است و من چند سال پیش، هنگامی که وی اظهار داشت که مایل است نقش آیین‌های مقدس، برای نمونه برگزاری آیین قربانی مقدس<sup>۵۳</sup> برای وی شفاف شود، بسیار شگفت‌زده شدم. این شفافیت<sup>۵۴</sup> فضایی را فراهم می‌آورد که در آن افراد، با خدا ارتباط می‌یابند. یک اثر هنری موفق بر طبق معیارهای من به همین ویژگی شفافیت دست خواهد یافت.

هنگامی که هنرمند احساس می‌کند که اثر هنری کامل است. همچون هر اثر هنری. آن اثر به دیگران انتقال می‌یابد. چگونگی واکنش آنان سوی دیگر این راز است.

من کوشش کرده‌ام گفت‌وگویی میان هنرمند و اثر هنری وی را توضیح دهم. اینک بحث خود را در فضایی کاملاً متفاوت ادامه می‌دهم.

- 52. Called into Being
- 53. the Eucharist
- 54. transparency



### چگونه می‌توان هنر را دریافت؛ ماجرای مارگارت

بسیاری از افراد، زبان هنر را قلمروی دیگر<sup>55</sup> می‌دانند. این، لزوماً امری منفی یا مانع ایجاد ارتباط نیست؛ باورهای خود ما در برخورد با نظرات دیگران در باره جهان، مورد التزام و تردید قرار می‌گیرند. اندیشه‌هایی که در آثار هنری ارائه می‌شوند، ممکن است با اندیشه‌هایی که امیدبخش و رایج‌اند در تضاد باشند. خود این چالش، میان ما به عنوان ناظر و اثر هنری مورد مشاهده، رابطه‌ای را پدید می‌آورد. این امر، امکان آن را فراهم می‌سازد که در پرتو چیزی خارج از خود، به ارزیابی خود بپردازیم.

بسیاری از افراد نسبت به هنر معاصر بدگمان‌اند. البته، به طرز عجیبی همواره چنین بوده است. [برای نمونه] نقاشی‌های امپرسیونیستی یا تأثرگرایانه<sup>56</sup> هنگامی که برای نخستین بار به نمایش گزارد شدند، آن قدر بنیادستیز و آزارنده بودند که لازم بود آن‌ها را خارج از چتر حمایتی شدت‌یافتگانی به نمایش گزرنند که پارسی‌های به خشم‌آمده برای از بین آن نقاشی‌ها در نگارخانه‌ها ابداع کرده بودند. ولی امپرسیونیسم یا مکتب تأثرگرایی<sup>57</sup> [مکتب هنری پدیدآمده توسط نقاشان فرانسوی در اواسط قرن نوزدهم] به مدت ۱۵۰ سال احتمالاً ممتازترین و پذیرفتنی‌ترین جنبش هنری<sup>58</sup> بود.

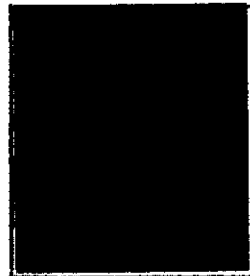
خاطر نشان می‌شود بنده عقیده ندارم که اثر هنری‌ام بدان‌گونه بنیادستیز و چالش‌انگیز است که بتوان آن را تیغه برنده<sup>59</sup> دانست و با این حال، مشاهده کرده‌ام که چگونه برخی از آثار هنری‌ام موفق شده‌اند با اندیشه یا احساسی مهم در دیگران پیوند برقرار کنند.

مایلم درباره مارگارت برای شما سخن بگویم؛ زنی که نخستین بار در چشم‌انداز اختصاصی یکی از نمایشگاه‌های ما وی ملاقات کردم. اثری که قبلاً از آن نام بردم، تسلیت لشکرها، برای نخستین بار در معرض دید همگان بود. مارگارت توسط یک دوست مشترک به چشم‌انداز غیرعمومی دعوت شد. وی بیش از سی سال در روانه زندگی کرده بود، جایی که وی به‌عنوان مربی کار می‌کرد. هنگامی که کشتار جمعی ۱۹۹۴ آغاز شد، وی به مدت چهار روز در خانه خود حبس شد، ولی امور ترسناکی را که در اطراف وی روی می‌داد، دیده و شنیده بود. بسیاری از دوستان نزدیک و همکاران وی کشته شده بودند. افراد بی شماری از کشور گریختند و از خانواده و دوستانشان جدا شدند. پیشامدی خجسته، این امکان را فراهم ساخت که ایالات متحده، مارگارت را بیرون برده، از مسیری پرپیچ و خم به بریتانیا باز گرداند.

او در باره احساس ناتوانی جسمی، سردرگمی و شوک روحی خود در آن زمان، به طرز شیوایی سخن گفته است. او هنوز هم نمی‌تواند دریابد که چرا برخی از کسانی که وی برایشان دعا کرده بود نجات یافتند، ولی برخی دیگر کشته شدند.

در چشم‌انداز غیرعمومی، وی احساس کرد که به سوی تسلیت لشکرها جلب شده است، که این اثر امشب از روی دوستی به وی امانت داده شده است. وی بی‌درنگ به این اثر هنری واکنش نشان داد، و به تعبیر وی، این اثر کمک کرد که رنگ زندگی بازگردد و در تاریکی و تردید نور امید زنده شود. وی می‌گوید که در این تابلوی نقاشی، تاج خاردار مسیح<sup>60</sup> و رنج او و نیز همدردی او با من و هزاران

- 55. another country
- 56. Impressionist paintings
- 57. Impressionism
- 58. art movement
- 59. cutting edge
- 60. Christ's crown of thorns



● نقاشی از سوفی هاگر



نفر از مردم را در غم گم‌گشتگی شخصیت<sup>۶۱</sup> آنان دیدم.

قصد من واقعاً ارائه تاج خاردار نبود، آن، عنصری از داستان مسیحی است که مارگارت در ارتباط با این نقاشی به یاد آورد و به آن هم نسبت داد. از نظر من، این امر اشکالی ندارد. در واقع، من از آن استقبال می‌کنم. ولی در سطحی ژرف‌تر، من از طریق این نقاشی، نکته‌ای را از نگاه تازه خود بیان کرده‌ام. من قصد داشتم به وسیله رنج و محنت و در ورای آن، مظهری از امید<sup>۶۲</sup> را نقاشی کنم. بنابراین هنگامی که مارگارت از دیدن تاج خاردار مسیح و رنج او سخن می‌گوید، شاید در حال استفاده از استعاره‌ای باشد که این مظهر متعالی امید را که از زبان حقیقی به‌دور است بیان کند.

همان‌گونه که وی می‌گوید، گرچه خارها وجود دارند، ولی کلونی آرامش‌بخش از امید، صفا و کمال نیز وجود دارد که باز دیگر تأکید می‌کند که من در مسیح کامل هستم.

#### خلاصه: گفتگو و سفر

امیدوارم خطوط کلی برخی از مسائلی را که هنر معاصر در جامعه پسا مدرن با آن‌ها روبه‌رو است، ترسیم کرده باشم، با توجه به این‌که جامعه خولهان آن است که به موضوعات منویت و دین بپردازد. من درباره راه‌های پدیدآوردن یک اثر نقاشی و این‌که چگونه یک قطعه کاغذ که به یک معنا فقط یک سطح نازک است، می‌تواند با این‌حال حامل معنایی ژرف باشد، سخن گفته‌ام. من به‌طور فشرده بدین امر پرداخته‌ام که چگونه تصویری انتزاعی می‌تواند بیانگر مقصودی معین باشد.

همه این امور از راه گفت‌وگویی میان هنرمند و اثر هنری و آن‌گاه میان اثر هنری و بیننده، در چهارچوب فرآیندی که در نهایت توسط خدا کنترل می‌شود، رخ می‌دهد. به نظر من فرآیندی جاری در انتقال دین از راه هنر، خشک‌اندیشانه، متعین و لزوماً در شکل داستانی نیست، بلکه فرانشخصی، خلاق و گشوده بر تفسیرهای متعدد است. در این گفتگوی غنی و مستمر، خدا با خلاقیت بشر کار می‌کند، تا ما را به فراسوی خود، به دریاهای مشترک و مظاهر دین سوق دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

• این مقاله از پایگاه اینترنتی همایش هنر و آموزش دینی به نشانی زیر دریاقت و ترجمه شده است:  
<http://www.culham.ac.uk/sg/symposium/2001/willo1.html>

61. loss of identity  
62. a vision of hope

